

متن پرسش

با سلام در جواب سوالی فرموده اید: نفس حیوانات نیز مجرد است ولی ظاهراً تشخص ندارند که هر حیوانی خودش باشد، بلکه هر حیوانی در صورت نوعیهی خود محشور می‌شود. مثل این که همه‌ی گوسفندها در نوع گوسفندی محشور می‌شوند زیرا انتخاب خاصی نداشته‌اند تا با شخصیت خاصی محشور شوند. پس روایاتی که در آنها گفته شده که حتی اگر یک حیوان به دیگری بیهوده شاخ زده باشد در قیامت حسابرسی میشود چیست؟ صورت نوعیه به چه معناست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: با توجه به همین نکته که در آخر اشاره می‌فرمایید واژه‌ی «ظاهراً» را به کار بردم چون بعضاً دیده شده روحیهی بعضی از حیوانات از همدیگر متفاوت است و در سوره‌ی انعام در آیه‌ی (۳۸) می‌فرماید: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا تَمَّ إِلَيْنَا رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ» بنده تفسیر علامه در این قسمت بحث را از حشر صورت نوعیهی حیوانات بالاتر می‌برند. می‌فرمایند: هیچ جنبنده‌ی ای در زمین و هیچ پرنده‌ی ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، نیست مگر این که امت‌ها و مجتمعاتی همانند شما هستند و ما هیچ چیز را در این کتاب تکوین فروگذار نکردیم که بی‌حساب به وجود آمده باشد، سپس همگی به سوی پروردگارشان محشور می‌گردند. می‌خواهد بفرماید: حیوانات زمینی و هوایی، امت‌هایی هستند مثل شما و مثل شما به طرف رب خود محشور می‌شوند. ملاک حشر، احقاق حق است که در آن اختلاف دارند. در کتاب کوتاهی نشده و هر چه رعایت آن واجب بوده، حقتش داده شده، به همین جهت ضمیری که مخصوص ذوی العقول است آورد. «هیچ جنبنده‌ای نیست در زمین و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند نیست، مگر این که همه‌ی آن‌ها مانند شما انسان‌ها امت‌ها و مجتمعات هستند و ما در کتاب تکوین، چیزی را بی‌حساب بوجود نیاوردیم» طبق آیه‌ی فوق باید حیوانات هم مثل انسان‌ها در بازگشت به سوی خدا مثل انسان‌ها باشند زیرا ملاک حشر به سوی خدا نوعی از زندگی ارادی است که راهی به سوی سعادت یا بدبختی در آن باشد و تفکر عمیق در مورد حیوانات ما را متوجه می‌کند که آن‌ها هم دارای آراء فردی و اجتماعی هستند که موجب جلب منافع و دفع مضار برای آن‌ها می‌شود و گاهی چیزهایی می‌فهمند که ما نمی‌فهمیم و مثل آدمیان، خوب و بد را تشخیص می‌دهند و گرنه چرا باید انواع مختلف‌شان در آراء مختلف باشند. و گاهی یک خروس تند خو و یکی نرم‌خو باشد مثل اختلاف انسان‌ها، و چطور آراء انسان‌ها در زندگی اخروی‌شان مؤثر است و در حیوانات مؤثر نباشد؟ و

چون افرادی از حیوانات را می‌بینیم که ظلم می‌کنند پس باید برای آن‌ها نیز حشر در کار باشد. در آیه‌ی ۶۱ سوره‌ی نحل می‌گوید: «وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ...» اگر خدا می‌خواست مردم را به کیفر ظلمشان بگیرد، هیچ جنبنده‌ای روی زمین نمی‌ماند» این نشان می‌دهد که جنبنده‌ی ظالم هم هست. خلاصه معنی اختیار این است که انسان وقتی بعضی از امور را تشخیص نمی‌دهد و نمی‌تواند بفهمد آیا تصرف در آن نافع است یا مضر، فکر را به کار می‌اندازد تا نفع و ضررش را در بین سایر احتمالات معلوم نماید و اما اگر مانند موش در نظر گربه و گربه در نظر موش، نفع و ضررش روشن باشد؛ از همان اول بدون درنگ و بدون هیچ احتیاجی به تفکر، اراده‌ی خود را در تصرف به کار می‌اندازد. حال وقتی صحیح باشد که بگوییم حیوانات هم تا اندازه‌ای، خالی از معنای اختیار نیستند و آن‌ها هم از این موهبت سهمی دارند، هر چه هم ضعیف باشد، چرا صحیح نباشد احتمال دهیم که خداوند حد متوسط از همان اختیار ضعیف را ملاک تکالیف مخصوص قرار دهد که مناسب با افق فهم آنان باشد و خلاصه راهی باشد که از آن راه پاداش دادن به حیوان مطیع و مؤاخذه از حیوان سرکش صحیح باشد (مثل خروسی که سر صبح می‌خواند با خروس بی محل). از این آیه می‌توان نتیجه گرفت حیوانات نیز کمالی دارند و به سوی کمال در حرکت‌اند حتی بعضی از آن‌ها شعور بالایی دارند. می‌فرماید: به حضرت سلیمان □ سخنان پرنده را آموختیم «عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ» این نشان می‌دهد آن‌ها فکر می‌کنند و حرف برای زدن دارند، مثل این‌که با سایر ملل حرف دارند و ما نمی‌فهمیم. هدهد برای حضرت سلیمان □ برهان توحید اقامه کرد و گفت: چرا قوم سبأ خورشید می‌پرستند و لذا در آخر آیه‌ی مورد بحث می‌فرماید: «إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ» به سوی پروردگارشان محشور می‌شوند. این نشان می‌دهد حساب و کتابی دارند و به اندازه‌ی شعوری که دارند مسئول. موفق باشید